

بازتاب آوازه

پیروزی موسیقی؟

● با روی کار آمدن دولت تازه در جمهوری اسلامی، به نظر می رسد که روزنه های کوچکی برای «تنفس» فرهنگی گشوده شده باشد. یا بهتر است بگوییم که قرار است گشوده شود. در حرف های برخی از سیاستمداران که علاوه بر «لیبرال» بودن، بی میل نیستند «بی باک» نیز جلوه کنند، نشانه هایی از نزدیکی و تفاهم یا هنرمندان به انزوا پرتاب شده - و دلجویی از آنان - به چشم می خورد. برای یافتن بازتاب این نشانه ها، کافی است، به صفحات فرهنگی نشریاتی نگاه کنیم که جانبدار سیاست های تازه به شمار می روند. در این صفحات، فرهنگمدان و هنرمندانی مطرح، بررسی و گاه تقدیر می شوند که تا همین يك سال پیش تنها به عنوان منحرف، فاسد، غریزه و حتی گاه «خائن» به فرهنگ اسلامی معرفی می شدند. در این میان توجه و اعتنای حسابگرانه سیاستمداران تازه فرهنگی به موسیقی و موسیقیدانان، جلوه ای چشمگیرتر یافته است. رفته رفته سخن از ارزش هایی از موسیقی ایران به میان می آید، که همیشه برای واپسگرایان مذهبی که بنیانگذاران اصلی جمهوری اسلامی اند، در صدر فهرست ضد ارزش ها قرار داشته است. می دانیم که در همان ماه های نخستین پس از انقلاب واپسگرایان هر بلائی را که خواستند بر سر موسیقی و موسیقیدانان ایرانی آوردند. هنرستان ها را تعطیل کردند، سازها را هرچه که به دستشان رسید - شکستند، کتاب ها و نوارها و کاست ها را سوزاندند، هنرجویان نوجوان را به یاد کتک گرفتند و برجسته ترین خوانندگان و نوازندگان و آهنگسازان را از سازمان های تولید و پخش کننده موسیقی بیرون کردند. هر ملائی که پایش به «منبر» می رسید حکمی به حرمت موسیقی و تکفیر اهل موسیقی صادر کرد. موسیقیدانان ما حیران مانده بودند که چه کنند و درست هنگامی که تصمیم گرفته بودند که دست به دامان رهبر «فرزانه» انقلاب و مبشر «آزادی» «نوفل لوشاتو» بشوند و از «فرهنگ پروری» او برای مقابله با واپسگرایان قرون وسطائی یاری بجویند، فتوای بزرگ و تاریخی حضرتش صادر شد:

«موسیقی جنایت است! موسیقی خیانت است. موسیقی ذهن جوانان ما را فاسد می کند! و الخ...» بعدها البته تعزیه گردانان تبلیغاتی که دستگاه هایشان بی ناله و ندبه نمی چرخید از او خواستند که تدبیری بیندیشد و آنچه را که آنها می خواهند از قلمرو «حرمت» بدر آورد. و او نیز چنین کرد. پس از او جانشین «فرزانه تر» ش نیز اظهار لحنیه فرمود که «موسیقی بطور کلی با مبانی اسلام سازگار نیست».

بر چنین زمینه تیره ای است که حرکت های خلاف جهت، در سیاست های تازه فرهنگی رژیم برجسته تر جلوه می کند. در همین چند ماهی که از گزینش دولت تازه می گذرد، در تالارها گرامیداشت هایی برای «مردان موسیقی ایران» چون علی نقی وزیری، ابوالحسن صبا، مهدی خالیدی و... برگزار شده و به موازات آن، در نشریات وابسته و یا پیوسته به «دولت» درباره ارزش های فرهنگی آنان قلمفرسائی شده است. حتی گاه «سخن» از خوانندگان «زن»، چون «قمرالملوک وزیری» و «روح انگیز» و تأثیرگذاری های اجتماعی و فرهنگی آنان به میان آمده است. یعنی کسانی که هر يك به نوعی «بدعت گذار» بوده اند، روشی تازه آورده اند و مهمتر از همه «غیرمذهبی» (و نه مذهبی) بوده اند. شنیده ایم که حتی به برخی از ترانه های «پاپ» نیز اجازه ضبط و پخش تازه داده شده است. می بینید؟



به یاد خانم حیات سلمان پور
ژاله اصفهانی

چهره وزگاری است!

درختی بود،
بر هر شاخه اش، خوشه های شکوفه -
تابش سپیده دمان
پرنده ای بود،
پر و بالش در پرتو خورشید
منشور رنگین کمان.

زنی بود،
طناز و مهربان
با ستاره های سیاه سیاه نگاه،
با زلفان پر پیچ درهم بافته -
مثل آشیان مرغان جنگلی.

روزی من و او،
با دست های کوچک مان،
در باغچه دبستان،
درخت کاشتیم و پنداشتیم
جهان را گلستان کرده ایم...

امروز،
آن روح درخت و پرنده -
آن زن،
دریغ!
رفت
که رفت!
و دست های کوچک،
در باغچه مدرسه دارند
درخت می کارند...

چه روزگاری است!

لندن - دسامبر ۱۹۹۷

به یاد محمد دنیوی خواننده ساروی «تنها صداست که می ماند»

نسترن ایرانپور

هنگامی که باغ های زیبای دو سوی خیابان «سعدی» را پشت سر می گذاشتی و در خیابان «فرهنگ» به سمت چپ می پیچیدی، هنوز باید از «دبستان دخترانه فروغی» در آن سوی خیابان و «دبستان پسرانه کاظم خاوری» در این سوی خیابان که انبوه گل های «ساعتی» نرده هایش را از چشم پنهان می ساخت، می گذشتی تا به آن فروشگاه کوچک با آن نام عجیبش می رسیدی. گویی خوار و یار فروشی آقای بهروش و مغازه جلال



رهای «پاینده شاهنده»

نه را تا بی نهایت گوناگونی و زندگی من، خلاقیت

فاه ADAC، آثار پاینده
جلب بازدید کنندگان برای
جوهر، بلکه به عنوان آثار
ارائه شده است که گاه به
بیشتر شباهت دارد.
نده این روزها در اندوه از
فمسر خود که در طول
یار و همفکر و مشوق او
ت. با این همه روز افتتاح
سیاهپوش آمد و با همان
ند جاودانه اش کنار آثارش
ت های کسانی را که به
های او آمده بودند فشرده.
این هنرمندی که در سکوت
سنگ و نقره و برنز زیباتر
ند پاینده باد.

ای

